

دارالفنون

رؤیا جناب زاده^۱

چکیده

در زمان سمدارت امیر کبیر، اولین مدرسه جدید در ایران به منظور تعلیم و تعلم علوم و فنون با نام «دارالفنون» بنا نهاده شد. زیربنای بسیاری از رشته‌های علمی و فنی مملکت ما در این مدرسه پایه‌ریزی شد. در این مقاله پس از نگاهی گذرا به زندگی پر فراز و نشیب امیر کبیر، مؤسس دارالفنون، به تأسیس، ساختمان، اهداف و معلمان دارالفنون پرداخته می‌شود و سپس برای توضیح بهتر چگونگی انجام امور در این مدرسه قوانین، رشته‌های درسی، تأسیسات چاپخانه‌ها و انتشارات مختلف آن می‌آید.

کلیدواژه‌ها

امیر کبیر، دارالفنون، معلمان، رشته‌های درسی، قوانین، چاپخانه سنگی، ترجمه‌ها، تألیفات، نشریات

مقدمه

توسعه و پیشرفت هر جامعه در گرو پرورش سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده فرهیختگان آن جامعه و به کار گماردن آنان است، نه در فزونی شمار مدرک‌گرفندگان یا در خشش ناگهانی تک‌چهرگان؛ و این ممکن نیست مگر آنکه به فرهیختگان احترام گذاریم، تعداد آنان را فزونی بخشیم و دانش را منحصر به مدرک‌نما سازیم.

از زمان آغاز آموزش علوم به شیوه اروپایی در ایران، یعنی از هنگام بنیاد نهادن مدرسه دارالفنون به همت میرزا

تقی خان امیر کبیر چندان نمی‌گذرد. تأسیس دارالفنون همزمان با اوج دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های صنعتی، اجتماعی و فرهنگی قرن نوزدهم بود. اگرچه ایران نخستین کشور آسیایی بود که به اروپا دانشجوی اعزام کرد و دارالفنون ایران ۲۰ سال پیش از دارالفنون ژاپن و ۳ سال پس از دارالفنون عثمانی تأسیس شد؛ اما متأسفانه در ایران نبود برنامه‌ریزی، نشناختن نیازهای اجتماعی زمانه، قرار نداشتن در چرخه پیشرفت جهانی و از همه مهم‌تر نیندیشیدن به مردم و خواست و صلاح زندگی آنان، موجب شد که سلاطین

۱. عضو هیئت علمی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز info@srst.com

روز موقعیتی استثنایی را که طی آن ایران می توانست برای سرنوشت فردای خود نیروهای زبده و کارآزموده بیورزند، به باد دهند. اگر از تلاش انفرادی و ارزشمند گروهی از فرهیختگان این دوران بگذریم، باید بگوییم که در آن عهد، هیچ گونه سازماندهی علمی و ساماندهی فرهنگی - اجتماعی وجود نداشت. بدین سان در یکی از پرشنس ترین عرصه های تاریخ ایران و درست در زمانی که کشورهای



اروپایی گام های بزرگی در علم و فرهنگ بر می داشتند، ما از قافله دانش و دانشوران جهان بازماندیم (۱۶۶:۲).

مؤسس دارالفنون

در ۱۲۱۳ ق. در روستای هزاره از قریه های بلوک فراهان و از توابع اراک، فرزندی به دنیا آمد که وی را تقی نام نهادند. وی بعدها میرزا تقی خان نامیده شد. پدر میرزا تقی خان، مشهدی قریان، آشنای قائم مقام اول و به میرزا بزرگ معروف بود.

میرزا تقی خان در دوران کودکی غذای فرزندان قائم مقام را به حجره معلم آنها می برد و در همان جا به منظور بازگرداندن ظروف غذا منتظر می ماند. لذا آنچه معلم به شاگردان بادی داد، او نیز فرامی گرفت تا روزی که قائم مقام برای آزمایش پسرانش به حجره آمد، هر چه از آنان می پرسید و نمی دانستند، میرزا تقی پاسخ می داد. قائم مقام در شگفت آمده، می پرسد: تو کجا درس خوانده ای؟ و

او جریان را توضیح می دهد. وی در مقابل انتخاب جایزه پیشنهادی قائم مقام، اجازه آموختن در محضر استادان فرزندان او را درخواست می نماید. بدین گونه گام های اولیه در آموزش مردی بزرگ در تاریخ ایران برداشته می شود.

میرزا تقی خان دوران جوانی را در خدمت قائم مقام در آذربایجان گذراند و در ۲۲ سالگی جزء همراهان خسرو میرزا به روسیه رفت و از کارخانه های مختلف، رصدخانه ها و مراکز مختلف آموزشی دیدن کرد. پس از آن نیز به عثمانی رفت و با اوضاع زندگی مردم آنجا آشنا شد. سپس به پیشکاری ناصرالدین میرزا، ولیعهد محمدشاه قاجار برگزیده شد در آغاز جلوس ناصرالدین شاه و به امیر نظام ملقب گردید. چندی بعد از جانب شاه به مقام صدارت عظمی برگزیده شد و در همین زمان بود که از دواج دوم وی با عزت الدوله، خواهر ناصرالدین شاه صورت گرفت.

وی در مدت ۳ سال صدارت خویش دست افراد ناصالح را کوتاه کرد و همواره مصالح مملکت را در نظر داشت. او مردی مدبّر و مآل اندیش بود و فکری باز و اندیشه ای بسیار والاّر از زمان خویش داشت.

سرانجام در روز چهارشنبه ۲۰ محرم ۱۲۶۸ ناصرالدین شاه تحت تأثیر سخنان مخالفان امیر، فرمان عزل وی را صادر کرد و وی به همراه مادر، همسر و فرزندان خویش راهی قریه فین کاشان شد و متأسفانه در پی امضای فرمان قتل او، روز جمعه ۱۷ ربیع الاول ۱۲۶۸ در حمام فین کاشان به قتل رسید (۵۸:۴).

تأسیس دارالفنون

تأسیس و ایجاد آموزشگاهی برای تعلیم و تربیت نسل جوان، از سال ها پیش در اندیشه برخی زمامداران دانش دوست ایران، پرورده شده بود. عباس میرزا که در اخذ تمدن و علوم جدید پیش قدم بود، پس از قتل گریبایدوف (سفیر روسیه در دربار فتحعلی شاه) هیتی را که میرزا تقی خان هم عضو آن بود، برای عذر خواهی عازم دربار روسیه کرد. اندیشه تأسیس دارالفنون با دیدن مدارس فنی و صنعتی روسیه در ذهن امیر شکل گرفت.

او در ۱۲۶۶ ق. اقدام به ساختن مدرسه دارالفنون کرد که در ۱۲۶۹ ق. پایان یافت. متأسفانه از یک ماه قبل از

افتتاح دارالفنون، امیرکبیر در باغ شاهی یعنی فین کاشان به صورت تبعید به سر می برد و دو هفته پس از گشایش دارالفنون در آنجا کشته شد و نتیجه اقدامات خویش را ندید.

هدف از تأسیس دارالفنون

نظر امیرکبیر در تأسیس دارالفنون، آشنا ساختن مردم ایران با علوم، صنایع، حرف و فنون جدید اروپا بود و چون هر فنی را در این مدرسه تعلیم می دادند، آن را دارالفنون نامیدند که مترادف پلی تکنیک امروزی ست. اگر امیرکبیر فرصت می یافت شاید گسترش این مدرسه، دست مستشاران خارجی را از مملکت کوتاه می کرد و تا حدی جریان انحطاط دوران های پیش از این می شد (۵۹:۴).

ساختمان دارالفنون

در ۱۲۶۶ق. (۱۸۴۹م.) اولین سنگ بنای دارالفنون در قسمت شمال شرقی ارگ سلطنتی که سابقاً سربازخانه بوده گذاشته شد. تا یک سال کار چندان پیشرفت نداشت لذا امیرکبیر، میرزا رضا مهندس باشی را که از دانشجویان اعزامی به لندن در عهد عباس میرزا بود و در فن بنا و قلعه سازی استاد، مسئول طراحی بنای دارالفنون نمود و همچنین محمدتقی معمار باشی را مأمور ساختن آن گردانید.

ساختن بنای این مدرسه ۲ سال طول کشید (۲۲:۵). تا اینکه در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ساختمان شرقی دارالفنون به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت. بقیه قسمت های آن ساختمان در اوایل ۱۲۶۹ق. پایان یافت. در چهار طرف مدرسه، ۵۰ اتاق ساخته شد که طول و عرض هر کدام ۴ ذرع بود و در جلوی آنها ایوان های وسیعی قرار داشت. در گوشه شمال شرقی، تالار نتار احداث شد که فقط گاه به گاه نمایش های خصوصی برای شاه و رجال دولت در آن اجرا می شد و بعدها به نمازخانه تبدیل شد. در ورودی دارالفنون به طرف خیابان ارگ باب همایونی باز می شد. در کنونی آن در خیابان ناصر خسرو، به ۱۲۹۲ق. ساخته شد. مدت ها پس از اتمام ساختمان اولیه، قسمت های دیگری به آن افزوده گشت (۵۲:۴).

معلمان دارالفنون

در حالی که یک ماه از آغاز ساختمان مدرسه می گذشت، در شوال ۱۲۶۶ امیرکبیر به موسیو جان دلود (عضو وزارت امور خارجه و مترجم اول دولت ایران) مأموریت داد که ۶ معلم برای درس پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، علم مهندسی و هندسه، علم معادن، طب و جراحی و تشریح از آلمان و اتریش استخدام نماید. وی پس از یک سال معلمان مورد نظر را انتخاب کرد و با اضافه کردن یک معلم ایتالیایی برای درس دواسازی و دو نفر معدنچی به عنوان سرکارگر خبره، به ایران بازگشت.

نسل اول معلمان دارالفنون عمدتاً خارجی بودند ولی نسل دوم، فارغ التحصیلان دارالفنون را نیز شامل می شدند. ابتدا استادان مدرسه، از میان اروپایی ها، و خلیفه ها از میان فارغ التحصیلان مدرسه انتخاب می شدند. اداره هر درس با یک استاد (استاد کرسی) و یک یا چند نفر دانشیار با عنوان خلیفه بود که سمت معاونت او را داشتند.

اسامی معلمان نسل اول دارالفنون با ذکر رشته تعلیم و نام مترجمان آنها به قرار زیر است:
- بارون گومنز "اتریشی، وی معلم پیاده نظام و مشاور امیر در اصلاح نظام بود.

در ۱۲۶۶ق. اولین سنگ بنای دارالفنون در قسمت شمال شرقی ارگ سلطنتی که سابقاً سربازخانه بود، گذاشته شد.

- بوهلر^۱ فرانسوی، فارغ التحصیل مدرسه عالی پلی تکنیک پاریس و از خدمتگزاران دانشمند و صدیق ایران که در ۱۲۶۹ق. به ایران آمد. بعد از مرگ زانی^۲ تدریس ریاضیات و نقشه کشی به او واگذار شد. مترجم او محمدحسین خان قاجار بود.

- دکتر پولاک^۳ اتریشی، معلم طب، جراحی و کحالی که مترجم او محمدحسن خان قاجار بود و ۲۰ شاگرد داشت.

- ریشارخان^۴ فرانسوی، معلم زبان فرانسه بود. صنعت عکاسی را در زمان محمدشاه به ایران آورد و از مترجمان

1. Gamsons
2. Bubher

3. Zatie
4. Polak

5. Richard

دولت بود. مترجم او در دارالفنون میرزا عبدالوهاب یزدی بود.

- زاتی اتریشی، مهندس نظام و معلم ریاضیات بود. مترجمی او را میرزا ملکم به عهده داشت.

- دکتر شلیمر^۱ هندی، میرزاتقی خان، شلیمر ربه عنوان پزشک، مأمور گیلان کرده بود. وی بعدها معلم دارالفنون شد و از دانشمندان آن دوران بود.

نسل اول معلمان دارالفنون عمدتاً خارجی بودند ولی نسل دوم، فارغ التحصیلان دارالفنون را نیز شامل می شدند.

- فوکتی^۲ ایتالیایی، معلم فیزیک، داروسازی و به طور کلی طبیعیات که مترجمش میرزا رضای کاشانی بود. از شاگردانش میرزا کاظم خان شیمی^۳ بود که بعدها در دارالفنون تدریس کرد (۱۶۶:۱).

- کارنتای^۴ اتریشی، معلم معدن شناسی که مترجم او ابتدا میرزا رضای کاشی و سپس میرزا آقای تیریزی بودند. کارزیلو^۵ ایتالیایی معلم نقاشی بود.

- کرزیز^۶ اتریشی، معلم توپخانه، ریاضیات و تاریخ نظامی بود. مترجمش میرزا زکی مازندرانی علی آبادی از تحصیل کرده های فرانسه بود.

- متراسو^۷ ایتالیایی، مربی سپاه و معلم پیاده نظام و فن آرایش لشکر (تاکتیک) بود که ۳۰ نفر شاگرد داشت. مترجم او حاجی شیخ محسن (مشیرالدوله بعدی) بود. - تعمیر^۸ اتریشی، معلم سواره نظام و مربی سپاه که مترجم او آندره نمساوی بود.

از معلمان ایرانی این دوره نیز می توان این افراد را نام برد:

- میرزا ملکم که علوم طبیعی را در فرانسه آموخت و در دولت امیر به سمت مترجمی منصوب گردید. وی در دارالفنون دروس حساب و هندسه عام (که همه دانشجویان ملزم به خواندن آن بودند) و هندسه عالی و لگاریتم تدریس می کرد و به تدریس جغرافیا نیز اشتغال داشت.

- میرزا سیدعلی که معلم طب ایرانی (طب قدیم) بود نزد دکتر کلوگ^۹ و دکتر پولاک نیز طب رنگی را آموخته بود.

- میرزا احمد طبیب کاشانی، نیز معلم طب قدیم بود. - شیخ محمد صالح اصفهانی، معلم زبان فارسی و عربی که سمت پیششمارزی مدرسه را نیز داشت.

- میرزا محمدخان وحید تنکابنی و حاج نجم الدوله نیز از معلمان ریاضی دارالفنون بودند که هر یک مدتی هم مسئولیت قسمت ریاضیات مدرسه برعهده داشتند. از دیگر استادان دارالفنون می توان از دکتر محمدخان کرمانشاهی، دکتر ابوالحسن بهرامی، میرزا حسین دکتر میرزا ابوالقاسم حکیم باسی، میرزا کاظم محلاتی و میرزا رضای دکتر نام برد (۲۰:۵).

قواتین و شرایط حاکم بر دارالفنون

شاگردان هر یک از رشته های هفت گانه با اجازه شاه به مدرسه راه می یافتند. آنان لباس مخصوص به خود داشتند و سالی دو دست لباس تابستانی و زمستانی به طور رایگان به آنها داده می شد. شاگردان ناهار را به خرج مدرسه در آنجایی خوردند و کمک هزینه یا مقرری هم دریافت می کردند (که از ۱۲۷۶ ق. قطع شد) و به شاگردان نمونه پاداش هم داده می شد. امتحان مدرسه سالی سه بار بود، پس از آن شاه، وزیران و دولتمردان به مدرسه می آمدند و به شاگردان جایزه می دادند. دوره تحصیل در سال های اول دارالفنون مشخص نیست، اما دوره های بعد شش یا هفت سال بود. از امکانات دارالفنون، تالار تئاتر و نمازخانه بود که شاگردان نماز ظهر را در آنجا می گزاریدند. مدرسه، کتابخانه ای هم داشت و طبیب مخصوصی نیز برای درمان شاگردان استخدام شده بود. بودجه دارالفنون در سال تأسیس، ۷۷۵۰ تومان بود. در ۱۳۰۷ ش. بودجه آن را ۳۰،۰۰۰ تومان نوشته اند (۶۷:۱).

رشته های درسی دارالفنون

رشته های درسی دارالفنون و تعداد شاگردان آن در بدو تأسیس به قرار زیر بود: رشته مهندسی ۱۲ نفر؛ رشته طب و جراحی ۲۰ نفر؛ رشته فیزیک، شیمی و داروسازی ۷ نفر؛ رشته معدن شناسی ۵ نفر؛ رشته توپخانه ۲۶ نفر؛ رشته پیاده نظام ۳۹ نفر؛ رشته سواره نظام ۵ نفر، در مجموع ۱۱۴ نفر در این مرکز درس می خواندند (۵۳:۳).

پس از تأسیس دارالفنون، شاگردان طب قسمت های عملی را در مطب پزشکان معرف می گذراندند و حتی

1 - Schlimmer
2 - Fochette

3 - Czarnotta
4 - Czabrilov

5 - Kreutz
6 - Matarazzo

7 - Nemuro
8 - Kluge

با آنها به عیادت بیماران می‌رفتند. اولین کالبدشکافی در ایران به ۱۸۵۴ م. (حدود ۱۳۳۳ ش.، آروی جنازه یک اروپایی (که احتمال داده می‌شد قربانی جنایتی باشد) انجام گرفت. در مدرسه، آموزش علوم نیز ادامه داشت و علم شیمی که تا آن زمان به علم کیمیاگری در میان مردم شناخته شده بود با چهره واقعی خود معرفی گردید و برای اولین بار بعضی آزمایش‌های شیمی در حضور محصلان ایرانی انجام شد.

در ۱۳۰۷ ق. که کرزن به ایران آمد، تعداد شاگردان را ۳۸۷ نفر به قرار زیر ثبت کرد: رشته‌های سه‌گانه ریخته، پیاده نظام و سواره نظام ۷۵ نفر، رشته‌های مختلف علم و فن ۱۴۰ نفر، رشته زبان فرانسه ۴۵ نفر، رشته زبان انگلیسی ۳۷ نفر، رشته زبان روسی ۱۰ نفر، رشته نقشه‌کشی (نقشه برداری) ۸۰ نفر، که در مجموع ۳۸۷ نفر می‌شدند (۶۷:۱).

دوره مدرسه دارالفنون

پس از پایان دوره تحصیلی هر رشته، از محصلان امتحان به عمل می‌آمد و در صورت توفیق، نام آنان جزء فارغ‌التحصیلان آن رشته اعلام می‌شد. جشن فارغ‌التحصیلی رشته‌های درسی با مراسم خاصی برگزار می‌شد و شخص شاه فرمان (دانشنامه) فارغ‌التحصیلان را به آنها می‌داد و این جشن به «سلام امتحان» شهرت داشت. اولین «سلام امتحان» در ۱۳۳۵ ش. برگزار شد. دانشنامه فارغ‌التحصیلان مدرسه غالباً عبارت از حکمی بود که مطلب فراغت از تحصیل، دریافت یک قطعه نشان طلا و تعیین شغل و حقوق در آن گنجانده می‌شد. در مدرسه دارالفنون علاوه بر دروس اساسی، گذراندن زبان خارجه برای همه شاگردان اجباری بود و سه زبان فرانسه، انگلیسی و روسی در آنجا تدریس می‌شد.

تأسیسات دارالفنون

از تأسیسات متعلق به دارالفنون می‌توان به کارخانه شمع‌سازی و آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی اشاره داشت. در آزمایشگاه، دواها و ترکیباتی از نوع سولفات دوزنگ، سولفات دوفر، اسید دوتانس و... ساخته می‌شد. لذا ساختن داروهای شیمیایی جدید در ایران از مدرسه دارالفنون آغاز گردید.

تأسیس اولین داروخانه‌های جدید زیر نظر دکتر داروساز

نیز از مدرسه دارالفنون شروع شد. از دیگر تأسیسات دارالفنون باید به «دارالطباعة» خاصه علمیه مبارکه دارالفنون طهران و «دارالترجمة دارالفنون» و همچنین به «عکاسخانه عبدالله خان قاجار» عکاس رسمی دولت که مکان آن بالای چاپخانه دارالفنون بود، نیز اشاره کرد.

چاپخانه دارالفنون

چاپخانه سنگی دارالفنون در اواخر ۱۲۶۸ ق. در قسمتی از مدرسه دارالفنون تأسیس شد که به نام «مطبعه دولتی» خوانده می‌شد. این چاپخانه دو دستگاه ماشین چاپ سنگی داشت که هر دو از هندوستان وارد شده بودند. آثار استادان دارالفنون و پاره‌ای از کتاب‌های دیگر در این چاپخانه به طبع می‌رسید.

اداره آن ابتدا تحت نظر علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه و سپس زیر نظر معاون او یعنی رضاقلی خان هدایت (الله‌باشی) قرار گرفت و پس از فوت وی، ریاست چاپخانه به عهده فرزند او علی‌قلی خان هدایت (مخبرالدوله) نهاده شد (۶: ۵۱).

ترجمه‌ها و تألیفات دارالفنون

یکی از شیوه‌های معمول در دارالفنون، این بود که هر یک از استادان و دانشیاران خارجی موظف بودند در زمینه علم و فن خود، کتابی را به کمک مترجمان به فارسی برگردانند و منتشر کنند. در نتیجه تعدادی کتاب توسط استادان و دانشجویان دارالفنون از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه و چاپ شد.



چاپخانه سنگی دارالفنون از سال تأسیس تا ۱۳۰۰ ق. جمعاً حدود ۴۰ کتاب درسی را چاپ و صحافی کرد. از انتشارات این چاپخانه می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- علم هندسه و علم مساحت، تألیف کرتیش^۱ و ترجمه میرزا زکی مازندرانی (۱۲۷۴ ق.)

- علم یونخانه، تألیف دکتر شلیمر و ترجمه میرزا زکی مازندرانی؛

- علم تحصین، تألیف میرزا علی اکبر خان مهندس شیرازی؛

- تشریح بدن انسان، تألیف دکتر هولاک و ترجمه محمدحسین افشار (۱۲۷۵ ق.)

- امر الالحکمه، تألیف شلیمر و ترجمه میرزانقی خان محمد هاشم کاشانی (۱۲۷۸ ق.)

- زیادة المحکمة، تألیف علی قلی خان حکیم الملک (۱۲۷۲ ق.)

- کلیات طب فرنگی، تألیف دکتر بوهرل؛

- قانون امور ارضه، تألیف گاستگر^۲ خان؛

- رساله کحالی، ترجمه محمدحسین افشار.

در حدود سال‌های ۶۰-۱۲۵۰ ش. کتاب‌هایی در موضوع جبر و هندسه توسط افرادی نظیر میرزا محمدخان وحید

تکابنی و حاج نجم الدوله تألیف شد که در واقع تلخیصی از آثار فرانسوی بود که به فارسی ترجمه شده بود. تاریخ

مفصل فرانسه تا پلٹون نیز توسط ریشارخان به فارسی برگردانده شد. همچنین میرزا محمدحسین خان

اعتماد السلطنه رئیس دارالترجمه دارالفنون نیز کتاب‌های تاریخ مفصل سلطنت لونی چهاردهم و شرح خاطرات

مادموآژن مونت پانسیه فرانسوی و کتاب منطق الوحش پل دوقوق را ترجمه کرد. کتاب حبیب اجباری نوشته

مولیر و مزین اللغة توسط مزین الدوله نظری موسوم به نقاش باشی نیز به فارسی ترجمه شد.

همچنین از آثار دیگری از قبیل جلاء العیون (در معالجات چشم)، علاج المقام (در جراحی)، قانون خدمت سربازی و... می‌توان یاد کرد (۸، ۷۰).

نشریات دارالفنون

علی قلی خان هدایت در ۱۲۹۹ ق. روزنامه دانش را در چاپخانه سنگی دارالفنون منتشر کرد که نوبت انتشار آن ماهی دوبار بود و به صورت رایگان توزیع می‌شد.

نویسنده‌گی و مدیریت آن با شخصی به نام میرزا محمد کاظم بود که در دارالفنون شیمی تدریس می‌کرد. این نشریه پس از ۱۴ شماره در ۱۳۰۰ ق. تعطیل شد. عمر این نشریه ۶ ماه و ۱۶ روز بود و حاوی مقاله‌هایی در زمینه علوم، علوم طبیعی، تاریخ طبیعی و هوا، همچنین اخبار وزارت علوم و آگاهی بود. نشریه‌دانش نخستین نشریه دانشگاهی ایران است که از آغاز انتشار آن تاکنون ۱۶ سال قمری می‌گذرد اما به رغم قدمت، از جنبه ظاهری و هنرهای مربوط به فن روزنامه‌نگاری در مقام والایی قرار دارد (۵، ۷).

از دیگر نشریات این چاپخانه می‌توان به وقایع اتفاقیه اشاره داشت. امیرکبیر در جهت حرکت نوگرایانه اش، مبادرت به تأسیس روزنامه وقایع اتفاقیه کرد که در آن اخبار آسیا و اروپا و امریکا نیز ترجمه و درج می‌شد. آوازه آن چنان مرزها را درنوردید که پالمستون^۳ نخست‌وزیر انگلستان مشترک آن شده بود. جمعاً ۲۲ شماره از این روزنامه منتشر شد و در شماره ۴۲ آن خبر عزل امیرکبیر از صدارت انعکاس یافت (۴، ۵۹). روزنامه‌های دیگری از قبیل اصلاح، مریخ، و ادب نیز در این چاپخانه به چاپ رسیده‌اند.

سرانجام دارالفنون

با عزل و کشته شدن امیرکبیر، بنیان‌گذار دارالفنون، هر چند برنامه توسعه مدرسه، شخصاً به دست او انجام نشد و تا حدی از مسیر پیش‌بینی شده انحراف پیدا کرد، اما می‌توان گفت که تا چند دهه نقش نسبتاً موثری در پیشرفت جامعه ایفا نمود. در زمانی که حدود ۴۰ سال از فعالیت این مدرسه می‌گذشت، اقدامات تند و افراطی افرادی نظیر ملکم‌خان، ذهن شاه را نسبت به دارالفنون تیره کرد و مدرسه به سرعت رو به زوال رفت و در پایان پنجاهمین سال تأسیس مدرسه، فقط نام مدرسه به روال سابق باقی مانده بود.

همزمان با ورود معلمان فرانسوی به ایران، اقدامات اساسی برای نجات این مرکز علمی مجدداً آغاز شد و برنامه‌های نخستین معلمان اتریشی، به منظور شالوده‌ریزی اساسی، دنبال شد. برنامه و آئین‌نامه تنظیمی آنها، حدود یک ماه و نیم پس از اعطای فرمان مشروطیت در ۱۳۳۴ ق. در چاپخانه فارس به طبع رسید. در واقع اقدام به موقع

1. Curtish
2. Gastiger

3. Palmerson

ابن گروه و برخی دست‌اندران فرهنگ، دارالفنون را از سقوط حتمی نجات داد. به موجب آئین‌نامه تنظیمی، سال تحصیلی از شهریور هر سال آغاز می‌شد و در خرداد ماه سال بعد پایان می‌یافت. دیپلم طبابت به سبک اروپا نیز از همین زمان مورد توجه و استفاده قرار گرفت. در نهایت دارالفنون زیر بنا و سنگ اساسی بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشور، از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه پلی‌تکنیک تهران (امیرکبیر امروزی)، دانشکده داروسازی و مانند آنها بود و چه بسا اگر برنامه‌های امیرکبیر از طریق مشخص شده انحراف نمی‌یافت، گام‌های مؤثرتر و مفیدتری برای رشد و اعتلای فرهنگ و آموزش کشور برداشته می‌شد.

۱. از دارالفنون تا دانشگاه تهران: شرحه نشریه ماهنامه علمی و پژوهشی، دوره نهم، ۵ (۱۳۷۲)، ۶۸-۶۵.
۲. شماره ۲، چيستاد دوره دوازدهم، ۳ و ۲ (۱۳۷۳)، ۱۶۶-۱۶۸.
۳. به انگیزه شصتمین سال تأسیس دارالفنون، دارالفنون دارالعلم ایران...: اطلاعات علمی، دوره هشتم، ۱۱ (۱۳۷۳)، ۵۲-۵۳.
۴. دارالفنون اولین پلی‌تکنیک ایران...: فنون، ۳۱ (۱۳۷۱)، ۵۸-۵۹.
۵. سرکندي، مجتبی. تاریخچه دانشکده داروسازی دارالفنون: ماهنامه دارویی دژی، دوره پنجم، ۸ (۱۳۷۳)، ۲۷-۲۲.
۶. کلیپایگانی، حسین. تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، چاپخانه چاپ سنگی دارالفنون: ماهنامه صنعت چاپ، ۱۳ (۱۳۷۱)، ۵۱-۵۲.
۷. نخستین نشریه دانشگاهی ایران: جهان کتاب، دوره اول، ۵ (۱۳۷۲).
۸. نیکزاد، محمدتقی. مروری بر تاریخچه و کارکرد دانشکده فنی دانشگاه تهران، از مدرسه دارالفنون تا تپه‌های مشجر امیرآباد: جام، ماهنامه جامعه اسلامی مهندسين، دوره سوم، ۲۵ (۱۳۷۳)، ۶۶-۷۳.

تاریخ دریافت: ۸۰/۱۷۱۶

